



ماجرای عنایت حضرت عباس(ع) به آیت الله قاضی

پژوهشگر عرفان اسلامی با نقل قولی از آیت الله نجابت شیرازی، ماجرای عنایت حضرت ابوالفضل(ع) به مرحوم علامه سید علی قاضی را بیان کرد.

پژوهشگر عرفان اسلامی با نقل قولی از آیت الله نجابت شیرازی، ماجرای عنایت حضرت ابوالفضل(ع) به مرحوم علامه سید علی قاضی را بیان کرد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، به مناسبت میلاد سردار رشید کربلا حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام گفت وگویی با حسن اردشیری، پژوهشگر و مؤلف بیش از بیست جلد کتاب و مدرس عرفان اسلامی انجام دادیم که مشروح آن از نظر می‌گذرد.

قمر بنی‌هاشم از محضر سه امام بهره برد

اردشیری در ابتدای این گفت‌وگو ضمن تبریک اعیاد شعبانیه بیان داشت: عباس(ع) نه تنها پدر فضل که پدر فضایل بود و چون از چشمه ولایت سیراب شده بود و شاگرد سه امام بود در علوم ظاهری و باطنی سرآمد دیگران بود.

وی افزود: حضرت عباس(ع) هم ظاهری زیبا داشت وهم باطنی زیبا و به همین دلیل ایشان را قمر بنی‌هاشم نامیدند و بعد از امام حسن(ع) و امام حسین(ع) هم‌آوردی نداشت.

مقام و منزلت عباس، مورد غبطه همه شهداست

پژوهشگر مسائل عرفانی با اشاره به حدیثی درباره منزلت حضرت عباس(ع) گفت: در روایت وارد شده «رحم الله عمی العباس و ان العباس عند الله منزلة یغبطه بها جمیع الشهداء یوم القیامة؛ خداوند عموی ما عباس را بیامزد. برای او نزد خدا مقامی است که همه شهیدان در روز قیامت بر آن غبطه می‌خورند.>

وی گفت: آنچه از حضرت عباس (ع) بیشتر در ذهن‌ها به تصویر کشیده شده و زبان‌ها گویای آن است، شجاعت اوست؛ حال آنکه قبل از همه چیز آن حضرت بندهای سراپا تسلیم درگاه الهی است و تمام عظمت‌ها و ارزش‌های او زیر سایه همین بندگی و اطاعت محض الهی قرار دارد.

عباس، بنده صالح خدا

این مدرس علوم اسلامی با بیان اینکه امام صادق(ع) لقب «بنده صالح> خدا را به حضرت عباس (ع) داد گفت: در زیارتنامه آن حضرت می‌خوانیم: «و السلام علیک ایها العبد الصالح المطیع لله... سلام بر تو ای بنده صالح و فرمان بر خدا...> و این یعنی اعطای لقب بندگی خدا از طرف معصوم به حضرت عباس.

آثار سجده بر پیشانی عباس نمایان بود

اردشیری با بیان اینکه آثار سجده بر پیشانی آن حضرت از کثرت سجود نمایان بود گفت: چنانکه قرآن کریم یکی از نشانه‌های بندگان مخلص خدا را آثار سجده در پیشانی آنها می‌داند و می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا یَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِیمَاهُمْ فِی وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ...> محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است...> (سوره فتح، آیه 29) حضرت عباس (ع) اینگونه بود و در تاریخ می‌خوانیم: «و بین عینیة اثر السجود>; و بین چشمان او اثر سجده نمایان بود.

مکاشفات آیت‌الله سید علی قاضی از کجا شروع شد؟

اردشیری گفت: بزرگ عارفان آیت‌الله سید علی آقا قاضی مدت‌ها ریاضت می‌کشید و برنامه سلوکی داشت اما فتح بابی برایش روی نمی‌داد و هر روز شیداتر برای نماز به حرم حسینی(ع) مشرف می‌شد تا شاید فتحی و کشفی حاصل شود.

وی افزود: آیت‌الله نجابت شیرازی از شاگردان مرحوم قاضی ماجرا را چنین نقل می‌کند: آیت‌الله سید علی آقای قاضی که چهل سال در ریاضت بود و همچون کوهی استوار، استقامت ورزیده است به این زودی خسته نمی‌شود... و می‌گوید؛ هر چه بادا باد، در بحر جنون پا می‌زنم، امشب کشفی نصیبم شد، شد، نشد، نشد... من کشف نمی‌خواهم تمام مدت چهل سال، آن هم برای زرق و برق و کشف کرامتی، نه! من معرفت خودش را می‌خواهم، من خودش را می‌خواهم.

وی ادامه داد: آیت‌الله قاضی همیشه نماز مغرب و عشاء را در حرمین شریفین امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) به جا می‌آورد، اما این بار که به حرم حضرت ابوالفضل (ع) می‌رسد با خود می‌اندیشد که تا به حال در مدت چهل سال هیچ چیز از عالم معنا برایم ظهور نکرده، هر چه دارم به عنایت خدا و به برکت ثبات قدم است.

اردشیری از زبان آیت‌الله نجابت ادامه داد: در راه، سید ترک‌زبانی که دیوانه می‌نمود، به طرف مرحوم قاضی می‌دود و می‌گوید: سید علی، سید علی، امروز مرجع اولیا در تمام دنیا حضرت ابوالفضل(ع) هستند اما قاضی که متحیرانه قدم در وادی حایر قدسی حسینی(ع) می‌گذاشت، متوجه نمی‌شود که آن سید چه می‌گوید!

وی افزود: به حرم حضرت ابوالفضل می‌رود، اذن دخول و زیارت و نماز زیارت می‌خواند و می‌خواهد که مشغول نماز مغرب شود. تکبیر الاحرام را که می‌گوید، می‌بیند که وضع در اطراف حرم حضرت ابوالفضل (ع) به طور کلی عوض می‌شود، آنگونه که نه چشمی تا به حال دیده و نه گوش شنیده و نه به قلب بشری خطور کرده است. قرائت را کمی نگه می‌دارد تا وضع تخفیف یابد و بعد دوباره نماز را ادامه می‌دهد، مستحبات را کم می‌کند و نماز را سریعتر از همیشه به پایان می‌رساند. به حرم امام حسین (ع) نمی‌رود و به دنبال جایی خلوت به خانه رفته و برای اینکه با اهل منزل برخورد نکند به پشت‌بام می‌رود.

اردشیری ادامه داد: آنجا دراز می‌کشد و دوباره آن حال می‌آید و بیشتر می‌ماند، تا اهل منزل سینی چایی را می‌آورند و آن حال از بین می‌رود. سپس نماز عشاء را می‌خواند و دوباره آن وضع بر می‌گردد؛ چیزی که تا به حال حتی به اقرار خود یک ذره‌اش را هم ندیده است و حالا که دیده، نه می‌تواند در بدن بماند و نه می‌تواند بیرون بیاید.

وی افزود: دوباره که شام را می‌آورند، آن حال قطع می‌شود و نیمه شب دوباره بر می‌گردد و مدت بیشتری طول می‌کشد. آری بالاخره درهای آسمان برایش گشوده و فتح باب می‌شود و او را غرق در تحیر می‌نماید، چنانکه آیت‌الله العظمی قاضی(ره) پس از این ماجرا می‌فرمایند: آنچه را می‌خواستیم، تماما به دست آوردیم...

این مؤلف و پژوهشگر مسائل عرفانی گفت: در هر زمان و مکان بهترین طریق برای طی مراتب سلوک، صراط مستقیم چهارده معصوم خواهد بود و بس. اگر این راه محکم، بهتر و بهتر به مردم و به خصوص جوانان شناسانده شود دیگر بیراهه‌های راه‌نما نخواهند توانست با رنگ و لعاب عرفان و معنویت در پی افسون دلباختگان کوی دوست شوند.

بصیرت عباس (ع) او را تابع ولایت کرد

اردشیری در ادامه تاکید کرد: حضور حضرت عباس(ع) در عاشورا نشان داد که عارفی بصیر است و می‌داند که در مواضع مختلف چگونه ظهور و بروز داشته باشد. البته برای او که با نور الهی می‌بیند این امر دشوار نیست، ولی به ما می‌آموزد که عرفانی ارزنده است که اولاً از سر چشمه ولایت سیراب گردد و ثانیاً ثمره‌اش پیروی از ولایت باشد.

اردشیری با بیان روایتی از امام صادق (ع) که فرموده: «عموی ما عباس بصیرتی نافذ و بینشی عظیم و ایمانی شدید داشت، در محضر امام حسین جهاد نمود و در راه حضرتش جانباری و ایثار تمام نمود و به شهادت رسید» گفت: بصیرتش به آن حضرت آموخت که ادب ورزد و در عین برادری، امامش را به لقب امامت صدا زند و همواره در برابر او متواضع و فروتن باشد و خود را خادم او و اهل بیتش بداند و فریب امویان را در فرستادن امان نامه نخورد و بداند که تعالی و شرافت و وصال در سایه امامت متجلی می‌شود.

شدت علاقه امام حسین(ع) به حضرت ابوالفضل(ع)

حسن اردشیری در پایان این گفت‌وگو خاطرنشان کرد: شدت علاقه امام حسین(ع) به جناب ابوالفضل(ع)، مثل شدت علاقه حضرت رسول(ص) به حمزه سید الشهداء و جعفر طیار بود و این شدت تا عاشورا ادامه داشت تا اینکه بعد از شهادت قمر بنی‌هاشم حضرت ابوالفضل(ع)، روایت شده که حضرت امام حسین(ع) فرمودند «الآن انکسر ظهري و قلت حیلتی؛ اکنون کمرم شکست و چاره‌ام کم شد» همچنین نقل شده که بعد از شهادت حضرتش آثار شکستگی در چهره امام حسین (ع) نمایان شد.